

همبستگی ۷۹

نشریه فدراسیون سراسری پناهندگان
ایرانی



www.hambastegi.org

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

International Federation of Iranian Refugees (IFIR)

سر دبیر: نازنین صدیقی

ایمیل : nazmoa@msn.com

مسئول فنی: سروناز سینائی

ایمیل: sinai713@gmail.com

یکشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۳

۲۹ مه ۲۰۱۴

www.hambastegi.org

بی اعتمادی شدید مردم

نسبت به دولت مردان

محمدتقی فراهانی

صفحه ۱۱

چپاول و غارت، ماهیت

جمهوری اسلامی

خاطره لطفی

صفحه ۱۴

جمهوری اسلامی ضد رفاه و

شادی

حسین خزاعی

صفحه ۱۷



چند سؤال از عبدالله اسدی

در مورد احتمال انتقال

پناهجویان از جزیره نائورو

در استرالیا به کشور کامبوج

صفحه ۲



بوکوحرام، فرزند خلف رژیم

اسلامی ایران

سهیلا ابوالحسنی

صفحه ۵

تقدیم به عاطفه که قربانی

زن بودن در ایران شد

بهناز مرتضوی

صفحه ۶

حجاب زنان معضل جمهوری

اسلامی

مهرداد مهرگان

صفحه ۷

و مطالب

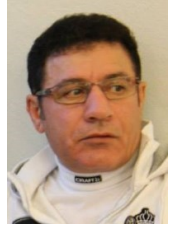
خواندنی دیگر



عبدالله اسدی: دولت استرالیا در ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۳ قانونی را به مرحله اجرا گذاشت که به موجب آن تمام پناهجویانی که از طریق دریا و غیرقانونی وارد آب‌های استرالیا می‌شوند به کشور دیگری غیر از استرالیا انتقال می‌دادند. به موجب این قانون حتی آن‌هایی که قبل از اجرای این قانون به استرالیا رسیده و در بازداشتگاه‌های استرالیا بسر می‌برند اجازه ماندن در استرالیا پیدا نمی‌کنند. در پی اجرای این قانون اعتراضات زیادی در استرالیا صورت گرفت به طوری که ده‌ها راهپیمایی اعتراضی و سمینارها و فعالیت‌های مطبوعاتی صورت گرفت ولی باین‌وجود دولت استرالیا از مواضع خود نسبت به اجرای این تصمیم کوتاه نیامد. دلیل پافشاری دولت بر اجرای چنین مقرراتی این بود که متأسفانه بسیاری از مردم استرالیا با اجرای این قانون موافق بودند و در نظرسنجی‌ای که در همین مورد به عمل آمد چیزی در حدود ۷۰ درصد از مردم استرالیا با اجرای این قانون موافق بودند. دلیلش هم این بود که نمی‌خواستند هر هفته و هر ماه شاهد غرق شدن این‌همه انسان در آب‌های آن کشور باشند. پس از اجرای قانون ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۳ تمام کشتی‌های حامل پناهجویان که به استرالیا می‌رسیدند به بازداشتگاه کریسمس انتقال می‌افتادند.



چند سؤال از عبدالله اسدی در مورد احتمال انتقال پناهجویان از جزیره نائورو در استرالیا به کشور کامبوج



همبستگی: اخبار و گزارش‌ها از استرالیا از احتمال انتقال پناهجویان از جزیره نائورو به کشور کامبوج خبر می‌دهند. جزیره نائورو در کجا قرار دارد و چرا پناهجویانی که در آنجا هستند به کامبوج انتقال داده می‌شوند؟ در این مورد از عبدالله اسدی سؤال می‌کنیم.

عبدالله اسدی: نائورو (Nauru) کشور کوچکی است در قاره اقیانوسیه و در جنوب اقیانوس آرام قرار دارد و جمعیت آن فقط ۹۳۰۰ نفر است. گفته می‌شود کم‌جمعیت‌ترین کشور جهان پس از واتیکان است و مساحت آن ۲۱ کیلومترمربع بیشتر نیست. دولت استرالیا به کشورهای نائورو و (پاپوا) گینه‌نو که جزیره‌ای است که در شمال استرالیا و شرق اندونزی قرار دارد؛ بابت اسکان پناهجویان پول پرداخت می‌کند. استرالیا به هر کدام از این دو کشور بیش از هزار پناهجو انتقال داده است و اکنون نوبت به کامبوج رسیده است.

همبستگی: آیا پناهجویانی که به کشورهای نائورو و گینه‌نو انتقال یافته‌اند در آنجا در محیط، آزاد هستند یا در جای مشخصی نگهداری می‌شوند؟

عبدالله اسدی: خیر آن‌ها در بازداشتگاه‌های اجباری هستند و تا زمان رسیدگی به پرونده‌هایشان در بازداشت بسر می‌برند؛ تقریباً مثل جزیره کریسمس. این پناهجویان در شرایط بسیار وحشتناکی بسر می‌برند. درگیری‌های اخیر در اعتراض به همین وضعیت اتفاق افتاد و پناهجویان بازداشتگاه‌ها را به آتش کشیدند. پناهجویان در این بازداشتگاه‌ها چنان در مدت طولانی و بلا تکلیف می‌مانند که به مرز دیوانگی می‌رسند.

همبستگی: دلیل استرالیا برای فرستادن این پناهجویان به کشورهای دیگر چیست؟ چه اتفاقی در سیاست پناهنده‌پذیری آن کشور افتاده که پناهجویانی را که به قصد درخواست پناهنده‌گی از کشور استرالیا وارد این کشور می‌شوند به راحتی به کشورهای دیگر انتقال می‌دهد؟

چه اطلاعاتی دارید؟

عبدالله اسدی: شرایطی که دولت استرالیا به پناهجویان تحمیل کرده است متأسفانه در پی آن اتفاقات زیادی برای این دسته از پناهجویان می‌افتد. وزیر مهاجرت پایوا گینه‌نو در سفری که به این مراکز بازداشتی داشته است تأیید کرده که به تعدادی از پناهجویان در پایوا گینه‌نو تجاوز جنسی صورت گرفته بود. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در امور پناهندگان برای چندمین بار است از سیاست مهاجرتی دولت استرالیا انتقاد کرده و از مراکز نائورو و مأنوس به‌عنوان بازداشتگاه‌های غیراستاندارد نام‌برده و گفته است امکاناتی که در اختیار این دسته از پناهجویان قرار می‌گیرد فقط در حد بخورونمیر است و دارای کمترین استانداردهای زندگی نیست. سازمان عفو بین‌الملل بارها در این مورد هشدار داده است.



همبستگی: گفته می‌شود شرایط روحی آن‌ها بسیار نامناسب است درست است؟

عبدالله اسدی: کاملاً درست است آن‌ها در شرایط روحی بسیار وحشتناکی بسر می‌برند و در قرنطینه و با کمترین امکانات و استانداردهای زندگی نگهداری می‌شوند. این پناهجویان به اینترنت هم دسترسی ندارند و تنها هرچند روز یک‌بار می‌توانند به مدت کوتاهی از تلفن استفاده کنند. «پال فلی»، سفیر استرالیا گفته بود تنها در مردادماه سال ۱۳۹۲، ۶۵۰۰ نفر ایرانی با قایق و به‌صورت غیرقانونی قصد ورود به خاک استرالیا را داشته‌اند.

همبستگی: آیا هیچ امیدی برای پذیرش این پناهجویان به‌عنوان پناهنده وجود دارد؟

عبدالله اسدی: اسکات موریسون وزیر مهاجرت استرالیا اعلام کرده در حال بستن قراردادی با کشور کامبوج هستند بر سر مرکزی شبیه آنچه در نائورو و مأنوس وجود دارد تا پناهجویان را به آنجا انتقال دهند. هنوز از چندوچون این توافقات با کشور کامبوج بر سر انتقال پناهجویان و تعداد کسانی که به آن کشور انتقال می‌یابند خبر دقیقی در دست نیست اما گفته می‌شود برای انتقال ۲۰۰۰ نفر به کامبوج در حال بررسی و گفتگو هستند. از طرف دیگر روز چهارشنبه ۲۱ ماه مه ۲۰۱۴ به پرونده گروه کوچکی از پناهجویان ایرانی شامل یک خانواده سه‌نفره و چهار مرد مجرد در نائورو رسیدگی شده و آن‌ها را به‌عنوان پناهنده پذیرفته‌اند و با ویزای اقامت موقت در جزیره نائورو اسکان داده شده‌اند. این پناهجویان اولین گروهی هستند که موفق به گرفتن مجوز خروج از این بازداشتگاه شده‌اند. این بازداشتگاه در سال ۲۰۱۲ راه‌اندازی شد. این اولین گروه از پناهجویانی است که رسماً از آن مرکز خارج می‌شوند. نائورو گفته است در هفته‌های آینده ۲۰ پناهجوی دیگر را از این کمپ خارج می‌کند و برای آن‌ها اجازه اقامت صادر می‌کند. وزیر مهاجرت استرالیا خبر پذیرفتن این پناهجویان را تأیید کرده است.

همبستگی: گفته می‌شود پناهجویانی که در مراکز بازداشتی به سر می‌برند مورد تحقیر و بدرفتاری نیز قرار می‌گیرند. این خبرها تا چه حدی درست است در این رابطه



همبستگی: چه باید کرد؛ تحلیل شما در این مورد چیست؟ آیا سازمان‌هایی مثل فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و دیگر سازمان‌های بشردوست و مدافع حقوق پناهندگان نمی‌توانند در این مورد اقداماتی در دستور کار خود برای دفاع از حقوق این پناهجویان قرار دهند؟

عبدالله اسدی: فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در این مورد به‌زودی اقداماتی را در دستور کار خود قرار داده و کمپینی را در دفاع از حقوق انسانی پناهجویان در استرالیا سازمان خواهد داد و در بیانیه‌ای جداگانه از همه پناهجویان در استرالیا و همه سازمان‌های بشردوست و مدافع حقوق پناهندگان خواهد خواست به این کمپین بپیوندند. نباید اجازه داد دولت استرالیا به بهانه جلوگیری از غرق شدن پناهجویان بیشتری در آب‌های آن کشور، خود به رفتارهای راسیستی و نژادپرستانه علیه پناهجویان بی‌پناه و باقی‌مانده نجات‌یافتگان متوسل شود. اگر واقعاً هدف دولت استرالیا جلوگیری از غرق شدن پناهجویان بیشتری در آب‌های استرالیا و اندونزی است چرا آن‌هایی که وارد خاک استرالیا شده‌اند به گینه و مآنوس و کامبوج تبعید می‌شوند. چرا باید در بازداشتگاه‌های اجباری نگهداری شوند؟ چرا باید در بدترین شرایط زندگی کنند و با کمترین امکانات و استانداردهای زندگی امروزی نگهداری شوند؟ چرا در یک پروسه کوتاه‌مدت پرونده آن‌ها را بررسی نمی‌کنند و اجازه نمی‌دهند بر طبق مقررات کنوانسیون ژنو مصاحبه شوند و برای آن‌ها پرونده تشکیل دهند و به‌عنوان پناهنده پذیرفته شوند؟ پناهجویانی که از جهنم‌های ایران و عراق و افغانستان و برای حفظ جان و زندگی‌شان و به قیمت قربانی شدن صدها نفر از بستگان و دوستان و همراهان و هم‌قطاران خود به استرالیا رسیده‌اند می‌بایست با احترام و بدون پرس‌وجو به‌عنوان پناهنده پذیرفته شوند.

تماس با فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

دیر فدراسیون: عبدالله اسدی

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۷۱۷۸۸۱۹

asadiabe@gmail.com

abe.asadi@localnet.net

بوکوحرام، فرزند خلف رژیم اسلامی ایران

خونریزی و ناسازگاری با محیط اطراف، ادعای ارتباط با خدا و اجرای فرامین خدا بر روی زمین، ترس از آگاهی مردم و به‌ویژه تحصیل زنان و مقابله با هرگونه شادی و آسایش مردم از دیگر شباهت‌های این دو پدیده مذهبی است. اگرچه دیرزمانی است که با دنبال کردن سر نخ در بسیاری فعالیت‌های خرابکارانه در کشورهای گوناگون و جنگ و خونریزی در کشورهای منطقه، نهایتاً ریشه تمامی این موارد با پشتیبانی حکومت جمهوری اسلامی از گروه‌های تروریستی پیوند می‌خورد اما بسیاری از حکومت‌های اروپایی این بدیهیات را نپذیرفته و برای کسب سود از کشور ایران در حال تعامل با جمهوری اسلامی هستند که این امر منجر به بازتر شدن دست حکومت ایران در کمک به گروه‌های تروریستی می‌شود.

در سال‌های اخیر وجود فعالیت‌های متشکل و مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی در داخل و خارج ایران توانسته است لرزه‌ای بر پیکر این رژیم قرون‌وسطی‌ای بی‌اندازد و تجربه نشان داده است که با فعالیت متشکل درزمینه‌های مختلف مانند مبارزه با اعدام و حقوق کودکان و زنان می‌توان به عمر این حکومت ننگین پایان داد.



بوکوحرام نام گروه تروریستی است که به‌تازگی در خبرگزاری‌ها و دنیای مجازی بسیار مطرح شده است و اخبار اقدامات تروریستی اسلامی آنان بیشتر از گذشته به گوش می‌رسد. این گروهک تروریستی



سهیلا ابوالحسنی

فعالیت خرابکارانه خود را از سال ۲۰۰۲ بانام تحصیل غربی حرام است در کشور نیجریه آغاز کرده و خواستار تعطیلی تمامی مراکز تحصیلی و تحمیل قانون شریعت بر کل کشور نیجریه شده است.

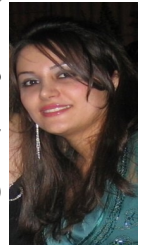
با جستجوی کوچک در دنیای مجازی می‌توانیم دریابیم حکومت‌های اسلامی این گروه را با عنوان گروه تندرو اسلامی شناخته و اسلام واقعی را جدا از فعالیت بوکوحرام می‌دانند، حال آنکه تمامی فعالیت‌های این گروه منطبق بر قوانین اسلام بوده و نشان‌دهنده تصویر واقعی و وحشیانه مذهب است.

جدیدترین فعالیت جنایت‌کارانه این گروه، ربودن تعداد زیادی دانش‌آموز دختر ۱۶ تا ۱۸ ساله و زندانی کردن آن‌ها بوده است که البته تعداد کمی از این دختران موفق به فرار شده‌اند اما تعداد بیشتر آن‌ها همچنان اسیر چنگال این گروه وحشی هستند.

سردسته بوکوحرام با عنوان ابوبکر شیکو اعلام کرده است که این دختران را به قیمت ۱۲ دلار خواهد فروخت و یا شوهر خواهد داد؛ زیرا وظیفه دختران ازدواج و فرزند آوری است. این سخنان وی هماهنگی و شباهت زیادی به حرف‌های رهبر حکومت جمهوری اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای دارد زیرا او هم بزرگ‌ترین وظیفه زنان را فرزند آوری می‌داند و نگاهش به زن به‌عنوان موجودی فرودست و پست است که البته این نگاه دیکتاتوروار و کلی مذهب به موجودیت زن است.

گروه تروریستی بوکوحرام دارای الگویی مشابه حکومت جمهوری اسلامی در ایران است و وجوه اشتراکشان تنها به اظهارنظر رهبرانشان ختم نمی‌شود؛ پیروی از قوانین قرون‌وسطی‌ای مالک دانستن خود بر جان و مال مردم، الگوی تروریسم بودن در دنیا، علاقه شدید به جنگ و

تقدیم به عاطفه که قربانی زن بودن در ایران شد



بهناز مرتضوی

آخرین روز شهریور ۱۳۶۶، عاطفه در مشهد به دنیا آمد. وقتی ۵ ساله بود پدر و مادرش از هم جدا شدند و چند ماه بعد مادرش در تصادف مرد و برادرش هم در رودخانه غرق شد. پدر او کارگری ساده از قشر بی بضاعت بود. عاطفه در سال ۱۳۸۰ توسط بسیج دستگیر و به جرم روابط نامشروع در سن ۱۳ سالگی به صد ضربه شلاق و زندان محکوم شد. پس از آنکه برای پنجمین بار توسط ستاد امر به معروف دستگیر می شود، در دادگاه به تجاوز مکرر یکی از کارکنان سابق ۵۱ ساله سپاه به نام علی دارابی به وی در زندان بهشهر اشاره می کند. قاضی، علی دارابی را به شلاق و عاطفه را به اتهام جریحه دار کردن عفت عمومی به اعدام محکوم کرد. بنا به قوانین ایران در صورتی که فردی پس از چهار بار زنا، مجدد مرتکب این اقدام شود به اعدام محکوم خواهد شد. این در حالی است که خود او در اعتراض به اولین محکومیتش نوشته است: «مدارک پزشکی [موجود] است که ثابت می کند عصب و روان ضعیفی دارم و در دقایقی از شبانه روز مختل الم شاعر می شوم که هرگونه عمل مثبت یا منفی ممکن است از این جانب بروز پیدا کند... همه اهالی محل می دانند که ثبات روانی ندارم.» قاضی با ارائه اسناد غیر واقعی به دیوان عالی کشور سن وی را ۲۲ سال اعلام می کند. بیانیه عفو بین الملل پیرامون اعدام کودکان در ایران اشاره ای به این مورد دارد و می نویسد: «اشتباه در سن عاطفه سهاله فقط پس از اعدام، موقعی که وسایل شخصی و وصیت نامه او را به خانواده اش تحویل دادند، برملا شد. تأکید همسایگان بر اختلالات روحی وی و عدم ثبت صورت جلسه دادگاه بیش از پیش اعدام وی را در هاله ای از ابهام فروبرد. اعدام وی جنجال برانگیزترین مورد اعدام کودکان در ایران بود.

بالاخره در ۲۵ مرداد ۱۳۸۳، عاطفه ۱۶ ساله به جرم انجام اعمال منافی عفت در شهرستان نکا در استان مازندران، اعدام شد. این حکم بنا به درخواست شخصی رییس دادگستری نکا و تأیید دیوان عالی کشور و موافقت رییس قوه قضاییه انجام گرفت. این اعدام در حالی صورت گرفت که

سن این دختر نوجوان در شناسنامه ۱۶ سال بود اما دادگستری شهرستان نکا سن وی را به دروغ ۲۲ سال اعلام کرد. رییس دادگستری بنا بر خصومت شخصی با او پرونده وی را شخصاً پی گیری کرد و در مدتی کمتر از سه ماه، تأیید حکم اعدام او را از دیوان عالی کشور گرفت. خشم و کینه رییس دادگاه آن چنان شدید بود که خود طناب را بر گردن این دختر ۱۶ ساله انداخت و جرثقیل با اشاره دست وی طناب را بالا کشید؛ ... سایت پیک ایران طی خبری، از واقعیاتی دیگر که منجر به اعدام عاطفه شد، پرده برداشت:

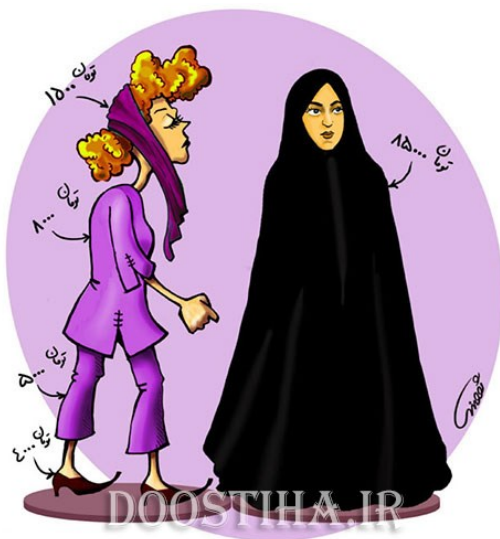
تعدادی از کارکنان نیروی انتظامی با توجه به دانستن شرایط زندگی وی [عاطفه] از این دختر ۱۶ ساله به صورت مکرر سوءاستفاده جنسی می نموده اند. دو افسر نیروی انتظامی دایره مفاسد اجتماعی شهرستان نکا به نام های سروان مولایی و سروان ذبیحی از اصلی ترین کسانی بوده اند که به این اعمال خلاف اخلاق مبادرت می نموده اند. در همین حال امضای این ۲ افسر نیروی انتظامی نیز زیر برگه شهادت بر علیه عاطفه به عنوان شاهد فاسد بودن عاطفه وجود دارد و آن ها در اقدامی دیگر (قبل از اعدام) از تعدادی از عوامل خود و مردم بی خبر استشهادنامه محلی مبنی بر این که این دختر عامل فساد در این منطقه است تهیه نمودند. در یک اقدام دیگر، شایعه این که عاطفه به ویروس HIV و به بیماری ایدز مبتلا است به راه انداخته بودند... اما پدر عاطفه در هنگام ارسال شکایت نامه و نامه اعتراضی، فتوکپی صفحه اول شناسنامه دخترش را که گواهی بر ۱۶ ساله بودن وی می دهد را نیز به ضمیمه آن ارسال نموده است و بر عدم دسترسی دخترش به وکیل نیز تأکید نموده است. پدر عاطفه برایم از زندگی خانوادگی اش و دربه دری های عاطفه می گوید و بالاخره این که در سه ماهی که دخترش در زندان بود او را فقط ده دقیقه دیده بود.

قاضی دادگاه، زناکاران متأهل ع.آ.د (۵۰ ساله) و ع. ذ (۴۵ ساله) را که بارها از اختلال حواس عاطفه سوءاستفاده جنسی کرده بودند، فقط به چند ضربه شلاق محکوم کرد. کجای دنیا و کدام دین یک دختر صغیر و معلول ذهنی را به اعدام محکوم می کند و متجاوزین حیوان صفت تنها به چند ضربه شلاق قابل خریداری محکوم می شوند؟

پناهندگی یک حق است و حق گرفتنی است

حجاب زنان معضل جمهوری اسلامی

پوشش زنان اضافه می‌شود، این در حالی است که وضع جامعه از هر سو رو به قهقرا می‌رود، آمار جوانان معتاد، فقر و بیکاری، دزدی رو به افزایش است و دولت و مسئولان هیچ‌گونه توجهی به این مشکلات اصلی ندارد و تمام توجه و نیروها را صرف مورد غیرضروری‌ای کرده است. بخصوص این رژیم دجال اسلامی تا جایی که ممکن است تلاش دارد با سرکوب مردم به هر بهانه، فضای ترس و اضطراب را در جامعه حاکم کند. این است سیاست رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی.



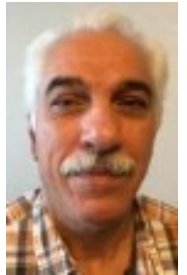
امسال هم مانند سال‌های گذشته با آغاز فصل تابستان در ایران، شاهد حضور مأموران، سگان ولایت وقیح در سطح شهر هستیم که به هر عنوان به بهانه بدحجابی، جوانان، بخصوص دختران و زنان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند و ترس و دلهره را به جان زن و مرد انداخته‌اند. طبق گفته فرمانده نیروی انتظامی جمهوری ننگین اسلامی احمدی مقدم، در سال ۹۲ حدود سه میلیون و ششصد هزار مورد مواجهه پلیس با شهروندان تحت عنوان بدحجابی رخ داده است که بیش از دوپست و بیست‌وپنج هزار از این افراد کارشان به مرحله تعهد و ارجاع به قوه قضائیه کشیده شده است، فرمانده ناجا در آمار خود اشاره‌ای به درصد زنان و مردان نکرد و جزئیات بیشتری ارائه نداد، از سوی دیگر روز جمعه دوم خرداد، احمدرضا رادان جانشین رئیس پلیس، در گفتگو با خبرگزاری مهر گفت: طرح امنیت اخلاقی مانند گذشته اجرا می‌شود و هیچ‌کس در ایران نمی‌تواند با دستور یا فرمان، این طرح را تعطیل کند. جالب اینجاست که این اراذل به اصطلاح مسئول در رژیم اسلامی مزاحمت برای دختران و پسران و بی‌حرمتی به آن‌ها را طرح امنیت اخلاقی می‌نامند.

رادان تأکید کرد که زمان پایان این طرح هنگامی است که وضعیت حجاب در کشور مطلوب شود، همچنین به گفته فرمانده نیروی انتظامی استان مازندران از اول خرداد ۹۳ طرح دریا آغاز می‌شود و در این طرح با زنان بدحجاب در سواحل برخورد می‌شود و این تنها منحصر به استان مازندران نیست و در تمامی سواحل قابل اجراست. در نهایت زنان و دختران دور از چشم پلیس شاید بتوانند با مانع روسری وارد دریا شوند، همچنین در سال‌های اخیر نتیجه سختگیری‌ها و بایدونبایدها درباره حضور زنان در دریا و سواحل ایران، این بود که هر سال حضور ایرانیان در سواحل آنتالیا رکورد جدیدی می‌شکند.

مسئولان که تا این حد به فکر حجاب برای زنان و دختران هستند و با تبلیغ‌های احمقانه گوناگون در سطح شهر زنان را به پاکدامنی و حجاب تشویق می‌کنند و گشت‌های ارشاد که هرروز به تعداد و فعالیتشان برای برخورد با وضعیت



خیمه شب بازی ملّاه‌ها در رابطه با تبعیض



محمدعلی نظری

اصولاً نظام جمهوری اسلامی بر پایه تبعیض استوار است، تبعیض در مورد همه چیز و همه کسانی که در پهنه ایران زمین زندگی می‌کنند. در حال حاضر کمتر حکومتی را می‌توان پیدا کرد که تا این حد در حق مردمش ظلم کرده باشد. آقای رییس‌جمهور منتخب در سخنرانی‌های چندی پیش خود خطاب به مردمی که از شدیدترین تبعیضات غیرقانونی رنج می‌برند سخنانی مبسوط درباره حقوق پایمال شده مردم ایران ابراز داشته است. مثلاً در سفری که به استان سیستان و بلوچستان نمود اظهار داشت ما در این کشور شهروند درجه دو نداریم و طبق قانون اساسی تفاوتی بین مذاهب، اقوام و جنسیت قائل نیستیم. وی چند روز بعد با تأکید بر این که حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی فرصت است و نه تهدید اظهار داشت که امروز زنان کشور در تمام صحنه هامان‌اند مردان فعالیت می‌کنند و باید مطابق آنان از فرصت‌ها و حقوق اجتماعی برابر برخوردار باشند، و نکته اینجا است که اظهارات اخیر ایشان از اهمیت خاصی برخوردار است چراکه با سخنان مقام معظم هیچ همخوانی ندارد که در حضور جمعی از زنان گفته بود مسائل اصلی مملکت مربوط به زنان نمی‌شود و خداوند آن‌ها را از لحاظ جسمی و عاطفی برای شرایط ویژه‌ای آفریده است. البته آقای روحانی می‌تواند شخصاً تفاوتی بین مذاهب، اقوام و جنسیت قائل نباشد و یا از حقوق مساوی برای زنان و مردان حمایت کند که این به نوبه خود جای بسی خوشحالی است ولی وقتی این اظهارات با فرمایشات بی‌پایه و اساسی از این قبیل که ما در کشور شهروند درجه دو نداریم و یا اینکه قانون اساسی ما فرقی بین قومیت‌ها و جنسیت و مذاهب نگذاشته است دچار سردرگمی می‌شویم.

نمی‌توان باور نمود شخصی که تحصیل کرده رشته حقوق است و در طول سالیان، خود از کارگزاران نظام بوده است تا این حد از قانون اساسی بی‌خبر باشد و از این روست که باید نقض سخنان خامنه‌ای را جزئی از اهداف تبلیغاتی قلمداد کرد. سخنان خامنه‌ای دقیقاً طرز فکر روحانیت حاکم را در

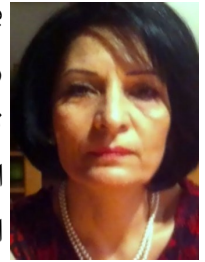
برخورد با مسائل زنان به خوبی نشان می‌دهد که در پانصد سال پیش سیر می‌کند. روحانیت خود یک جمعیت مردسالار را تشکیل می‌دهد و در نگاه اول وقتی صحبت از مردم پیش می‌آید این‌ها مردها را می‌بینند و چون عموماً زن‌ستیز هستند اصولاً باور ندارند که زن را در لباس یک قانون‌گذار، یک قاضی ببینند. به همین منظور است که خامنه‌ای در حضور جمعی از زنان که سخن می‌گوید گویی افتخاراتی که در طی اعصار و قرون از حضور زنان در جامعه کسب شده شبی بیش نبوده است. از این گفته‌ها به خوبی پی به افکار پوسیده حاکمان ایران می‌بریم که چگونه یک اقلیت بسیار کوچک و بی‌سواد حاکم بر جان و مال و ناموس مردم شده‌اند و به خود حق می‌دهند تا برای میلیون‌ها نفر قانون بنویسند و از قماش خود وزیر و وکیل انتخاب کنند و چنانچه کسانی از مصوبات آنان سرپیچی کنند محارب با خدا و مفسد فی‌الارض بنامند و آنان را به صلابه بکشند. همچنین نیمی از جمعیت ایران را که زنان تشکیل می‌دهند، از حقوق خود محروم کنند و در زیر حجاب اجباری آن‌ها را به آشپزخانه پرتاب کنند. جمعیت کثیری از این مملکت را که سنی هستند مسیحی هستند بهایی هستند دگراندیش هستند نادیده گرفته و در این شرایط آقای روحانی صحبت از این می‌کند که ما شهروند درجه دو نداریم. آقای روحانی خود در حفظ قانون اساسی کوشا است و خود خوب می‌داند که تعریف او از قانون اساسی، تصویر نادرستی از آن را به نمایش می‌گذارد که به سختی می‌تواند انتظار داشته باشد تا مردم ادعاهای او را باور کنند. تحقق آنچه حسن روحانی اینجا و آنجا به زبان می‌آورد فقط با سرنگونی کامل جمهوری اسلامی امکان‌پذیر است ولا



کارگران زندانی و زندانیان سیاسی- عقیدتی را آزاد کنید

در ایران ، ما با حکومتی روبرو هستیم که برای حفظ منافع خود که حاصل غارت و چپاول سرمایه‌های ملی است با توسل به تمام ابزارهای سرکوب خود از قوه قضاییه تا وزارت اطلاعات و امنیت و اطلاعات سپاه ، می‌کوشد که تمام راه‌های اتحاد و همبستگی مردم را به وحشیانه‌ترین اشکال سرکوب نماید ، و همواره تلاش می‌کند که مانع متشکل شدن و همبستگی مردم شود.

حکومت استبدادی جمهوری اسلامی ، نه تنها کارگران بلکه اکثریت بزرگی از اقشار گوناگون مردم ایران را آماج حملات خود قرار داده است و تلاش می‌کند که با ایجاد رعب و وحشت و اعدام و حبس ، مردم را وادار به عقب‌نشینی کند. با نگاهی به ترکیب زندانیان سیاسی می‌بینیم که همه طیف‌های اجتماعی از فعالین سیاسی گرفته تا روزنامه‌نگاران ، معلمان ، زنان ، فعالین قومی و عقیدتی و روشنفکران و دانشجویان و... را در برمی‌گیرد که نشان‌دهنده گستردگی نارضایتی طیف وسیعی از مردم است .



رفت زین‌الدین

بیش از ۲ میلیارد کارگر در سراسر جهان روز اول ماه مه را که یادآور مبارزات و تحمل رنج‌ها و پایداری‌های پیشینیان تا به امروز است گرامی می‌دارند.

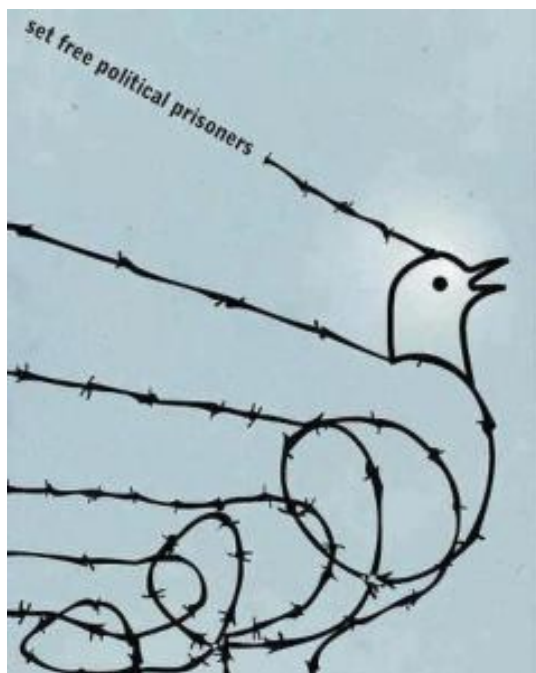
این در حالی است که کارگران ایران از هرگونه تجمع و راهپیمایی و برگزاری مراسم حتی به صورت خصوصی و یا به شکل‌های مسالمت‌آمیز نه تنها منع می‌شوند ، بلکه با هرگونه تجمع و گرد هم آیی کارگران با خشونت هرچه تمام‌تر برخورد می‌شود .

امسال نیز روز قبل از ماه مه چند تن از کارگران در خانه‌های خود بازداشت شدند و تعدادی نیز در محل پایانه میدان آزادی مورد اهانت و ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شدند. همین‌طور تعدادی از اعضای سندیکای فلزکار مکانیک که در باغی دور از تهران گردآمده بودند علاوه بر برخوردهای خشونت‌آمیز دستگیر و روانه زندان شدند که هنوز از سرنوشت تعدادی از آنان اطلاعی در دست نیست.

تجربه جنبش کارگری نشان می‌دهد که کارگران تنها در صورت همبستگی و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری می‌توانند وضعیت معیشتی و اجتماعی توان‌فرسایی را که سرمایه‌داران بر آن‌ها تحمیل کرده‌اند تغییر داده و به مطالبات به حق خود دست یابند. در مقابل، سرمایه‌داران نیز تلاش می‌کنند که با سرکوب این تشکل‌ها (سندیکاها ، اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های مستقل) و ضربه زدن به همبستگی کارگران و ایجاد نفاق و جدایی میان آنان ، راه تحقق خواسته‌های خود را که همانا استثمار و بهره‌کشی زحمت‌کشان است هموار نمایند .

نظام سرمایه‌داری نه تنها در ایران بلکه در بعد جهانی تلاش می‌کند که به حقوق و مطالبات و دستاوردهای جنبش کارگری تعرض نموده و استثمار این طبقه را شدت بخشد؛ و درنهایت ، این امر به ثروتمندتر شدن سرمایه‌داران و فقیرتر شدن کارگران می‌انجامد.

زندانیان
سیاسی
آزاد باید
گردند.



از سایت کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی دیدن کنید

<http://cfppi.blogspot.com/>

<http://zendanisiasi.wordpress.com/>



در طی ۳۵ سال گذشته هر دولتی که بر سرکار آمده است ، با وعده و وعیدهای عوام‌فریبانه سعی در جلب حمایت مردم نموده ولی عملاً نه تنها به هیچ‌یک از وعده‌های خود عمل نکرده‌اند بلکه اوضاع هرروز اسفناک تر از روز قبل و فشارهای اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی هرروز شدت بیشتری گرفته است. به‌طور مثال احمدی‌نژاد وعده داد که پول نفت را بر سر سفره مردم می‌آورد اما دیدیم که علیرغم چند برابر شدن بهای نفت و افزایش درآمدهای نفتی (۷۰۰ ، ۸۰۰ میلیارد دلار) ، سفره‌های مردم از قبل خالی‌تر شد.

روحانی نیز وعده داد که دستمزدها افزایش یابد ، نهادهای صنفی و تشکل‌ها فعال شوند ، زندانیان سیاسی و عقیدتی و مدنی آزاد شوند ، اما می‌بینیم که تاکنون نه تنها به این وعده‌ها عمل نکرده است بلکه هرروز بر میزان فشارها افزوده است. به‌طور مثال با بالاتر رفتن نرخ تورم ، دستمزدها افزایش پیدا نکرده است و به‌جای تقویت و ایجاد تشکل‌های صنفی و مدنی و سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری (که عوام‌فریبانه وعده‌اش را داده بود) فعالین کارگری را زندانی نموده و به‌جای آن اتحادیه‌های کارفرمایان را تقویت کرده است.

دستگیری فعالین کارگری ، چند روزی پس از یورش وحشیانه نیروهای امنیتی به بند ۳۵۰ اوین و ضرب و شتم بی‌رحمانه زندانیان بی‌دفاع نشان می‌دهد که دیکتاتوری حاکم به‌شدت از رشد و گسترش مبارزات فعالین مدنی ، اجتماعی و کارگری هراس دارد ، چراکه خوب می‌داند که وجود این تشکل‌ها و نهادهای مستقل کارگری و مردمی ، مهم‌ترین ابزار برای تحقق دموکراسی و آزادی و تنها راه سرنگونی حکومت جهل و خرافه است.

بنابراین لازم و ضروری است که همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه ، به دفاع قاطعانه و متحد ، در حمایت از کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی و قومی ، یک‌صدا شوند. هیچ‌گونه توجیه و سکوت از جانب نیروهای سیاسی تحت هیچ بهانه‌ای قابل قبول نیست.

و روحانی درگیرند و می‌خواهند زیر پای باند روحانی و رفسنجانی و دیگرانی که توسط سپاه کنار گذاشته شده‌اند را خالی کنند و هرروز مسئله جدیدی را ایجاد می‌نمایند و همین‌طور برای رفسنجانی و روحانی چنین است، آن‌ها درحالی‌که سرگرم حل کردن مسئله اتمی با غرب هستند سعی دارند گلیم را از زیر پای سپاه و خامنه‌ای بکشند و خودشان قدرت را در دست بگیرند. حالا اگر جنگ در جبهه مردم در حال رکود و سکون است جنگ بین خودشان بسیار علنی است. ما باید اول میزان بی‌اعتمادی مردم را ارزیابی کنیم بعد ببینیم که آیا حسن روحانی در گفتارش صادق است و مردم را به خیابان دعوت می‌کند؟ ما میدانیم کار اصلی روحانی کشیدن مردم به خیابان‌ها نیست مگر در زمانی مثل شروع انتخابات که به صورت کنترل‌شده بیایند و تلویزیون‌ها و رسانه‌ها آن را پوشش دهند و مردم سراسر دنیا آگاه شوند و بعد هم دنبال کارشان بروند. وظیفه دارند تا این حد این کارها را نکنند همان‌طور که تا حالا کرده‌اند اما اینکه برای اعتراض، مردم را به خیابان بکشند آن‌هم اعتراض به نظام، کار این‌ها نیست ولی اگر کار بجایی کشید که روحانی در شرایط اضطراری از مردم بخواهد که به خیابان‌ها بیایند احتمالاً قبول می‌کنند ولی نه برای حمایت از حسن روحانی بلکه آن‌ها به دنبال فرصتی هستند تا ضربه‌ای کاری به اصل نظام بزنند و این واقعیتی است که حسن روحانی می‌داند و به همین دلیل این فقط یک تهدید در مقابل جناح رقیب است و نه بیشتر از آن.



بی‌اعتمادی شدید مردم نسبت به دولت مردان



محمدتقی فراهانی

حکومت جمهوری اسلامی دریکی از شدیدترین بحران‌های دوران موجودیتش فرورفته است. چنددستگی‌های درون رژیم حکایت از این اوضاع آشفته دارد. یک حکومت ملوک‌الطوایفی تمام‌عیار در ایران شکل گرفته و هرکسی ساز خودش را میزند. علی یونسی وزیر اطلاعات کابینه خاتمی در سفر شیراز در یک سخنرانی صحبت از تعویض آرم پرچم جمهوری اسلامی به شیر و خورشید نموده و گفته است شیر و خورشید روی پرچم در زمان رژیم سابق ربطی به آن رژیم نداشته و شیر به معنای اسدالله یعنی شیر خدا که همان حضرت علی است و شمشیر در دستش همان ذوالفقار است وی همچنین سخنانی در بزرگداشت کورش ایراد کرده است، از طرفی تاج‌زاده از درون زندان به وسیله همسرش برای روحانی پیام داده است که علیه تو احتمال کودتا می‌رود. روحانی هم خسته از فشارهای گوناگون اعلام کرده است کاری نکنید که از مردم دعوت کنم به خیابان‌ها بیایند. درحالی‌که قرار بود با آمدن روحانی مملکت سروسامانی بگیرد و با گسترش تفاهم هسته‌ای اوضاع آرام بشود و با واریز اقساط پول نفت مملکت را از این فلاکت نجات دهند اما می‌بینیم کار بالا گرفته و در حال حاضر رژیم به سختی سر پای خود ایستاده است. اگر در کشور یک حکومتی برقرار بود که حداقل بین خودشان درگیری نبود می‌شد چنین برداشت کرد که با تفاهم اتمی مملکت آرام بگیرد یعنی آن‌ها سعی می‌کنند به هر ترتیبی شده به تفاهم برسند و این به سودشان است که این مسئله را زودتر حل نمایند و با برداشتن تحریم‌ها و سرازیر شدن درآمدهای کلان نفتی حداقل رژیم را به حالت عادی برگردانند؛ اما مشکل رژیم اینجاست که آن‌ها هرکدام با خودشان جنگ دارند و هر یک سعی می‌کنند قدرت کامل را در دست بگیرند. امروز خامنه‌ای و سپاه باید در سه جبهه بجنگند. جبهه اول جبهه مردم است که باید آن‌ها را سرکوب کنند و جلوی حرکتشان را بگیرند، در جبهه دوم بر سر مسئله هسته‌ای، نفت و تحریم‌ها با جامعه جهانی و در جبهه سوم با باند رفسنجانی

نگیرند ولی مردم منصرف نشدند که هیچ، معترض هم شده‌اند و گفته‌اند چرا ما خواهان انصراف مردم از دریافت یارانه شده‌ایم. حالا ببینیم کار مراجع تقلید به کجا کشیده روزگاری میرزای شیرازی مرجع تقلید شیعه تنباکو را تحریم کرد و مردم تمام قلیان‌ها را شکستند اما میزان بی‌اعتمادی امروز در حدی است که مردم پیشیزی برای فتواهای این شیادان اهمیت قائل نیستند و حنایشان دیگر رنگی ندارد و این شکاف بزرگ بین مردم و نظام هر لحظه ممکن است کل نظام را ببلعد. فتواهای آیت‌الله‌ها باد هوایی بیش نیست.



ادامه مطلب از صفحه ۱۱ مردم هم حاضر نیستند جانشان را کف دست بگیرند و به خاطر حسن روحانی که کوچک‌ترین اعتمادی به او ندارند به صحنه بیایند. درزمینهٔ همین یارانه‌ها شخص حسن روحانی از مردم خواست تا از دریافت یارانه‌ها چشم‌پوشی کنند اما دیدیم که ۷۳ میلیون نفر از جمعیت ۷۵ میلیونی اعتنا به خواسته حکومت نکردند و این برای حسن روحانی که با آن همه تهدید و زور نتوانست مردم را مجاب کند تا این یارانه ۴۵ هزار تومانی را از گدا خانه دولت دریافت نکنند، تودهنی بزرگی بود چون حکومتی که ادعا می‌کند نوزده میلیون نفر به دولت حسن روحانی رأی داده‌اند اما فرض کنیم که این رقم درست باشد و آن هم در شرایط تهدید که اگر معلوم شود کسی یارانه لازم نداشته و ثبت‌نام کرده چنین و چنان می‌کنیم، فقط دو و نیم میلیون نفر از گرفتن یارانه چشم‌پوشی کرده‌اند و این نشان‌دهنده آن است که چه قشر عظیمی از حسن روحانی روی برگردانده و امروز اعتمادشان را از دست داده‌اند. این درجه از بی‌اعتمادی بین مردم یک کشور و کسانی که بر آن‌ها حکومت می‌کنند اگر در دنیا بی‌نظیر نباشد بسیار بسیار کم‌نظیر است و معنایش این است که مردم با این زبان به دولت می‌گویند شما به جای اینکه ۴۵ هزار تومان را از سفره ما بردارید بهتر است از صدها هزار میلیون دلاری که طی سال‌های اخیر خرج سوریه برای نگهداری بشار اسد می‌کنید، خرج حزب‌الله لبنان می‌کنید و این همه بریزوپاش‌ها و سوءاستفاده‌های میلیاردی که هر روز شاهد آن هستیم، دست‌بردارید. این درجه از بی‌اعتمادی در حدی است که حتی روحانیون درجه اول یعنی مراجع تقلید حکومت مثل مکارم شیرازی که خیلی هم بانفوذ است راهم دربرمی‌گیرد. او اخیراً گفته بود، من از مردم خواستم آن‌ها که احتیاج ندارند یارانه

مرگ بر جمهوری اسلامی

**نه یک کلمه بیشتر
نه یک کلمه کمتر**

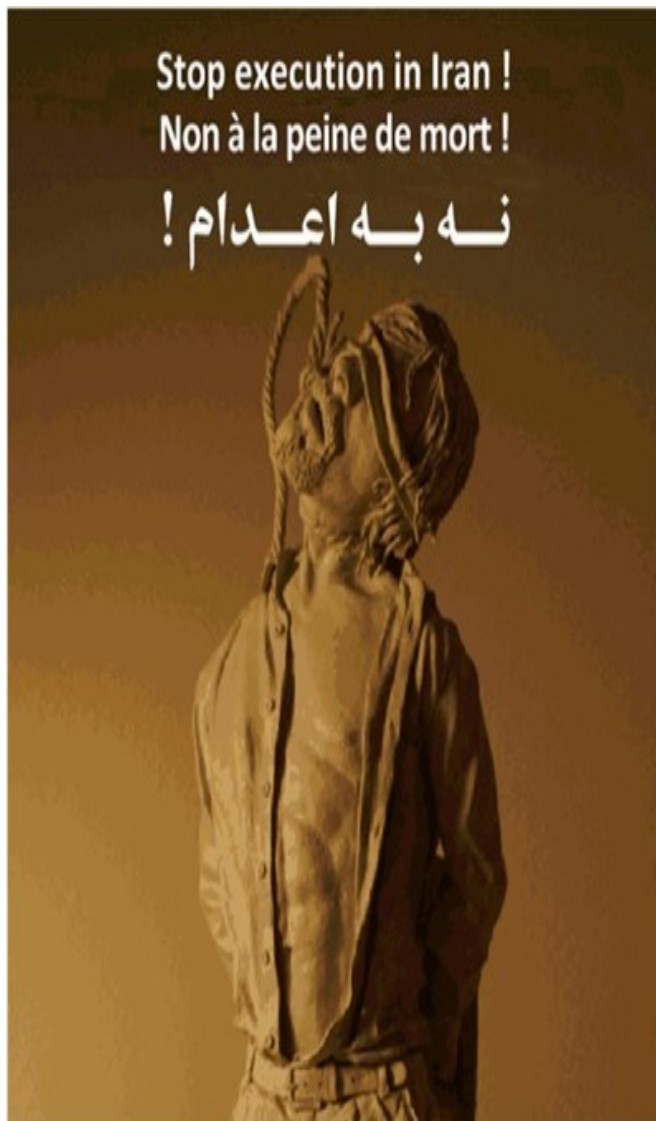


می‌بخشد که جنایت خود را کاری ثواب و مقدس بدانند به همین دلیل است که حکومت جمهوری اسلامی ایران را می‌توان همپای جنایتکارترین حکومت‌های تاریخ جهان نامید.

باید علیه این جنایت ایستاد. در واقع جنبش و اعتراض علیه اعدام اساس حکومت اسلامی ایران را زیر سؤال می‌برد. برای سرنگونی حکومت اسلامی ایران باید علیه ستون و تکیه‌گاه حکومت اسلامی یعنی اعدام مبارزه کرد.

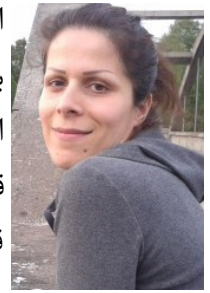
ما می‌توانیم دست در دست هم در صحنه باشیم علیه اعدام و سرنگونی حکومت ضد بشریت اسلامی در ایران کافی است با صدای بلند اعلام کنیم نه به اعدام نه به حکومت اعدام در ایران.

زنده‌باد انسانیت



حکم اعدام در ایران، مبارزه با جرم یا ابزاری برای اشاعه رعب و وحشت؟

اعدام نوعی کیفر و مجازات است و به‌عبارتی دیگر اشد مجازات برای محکوم است و این کیفر از موارد پیش‌بینی‌شده در قانون برخی کشورهاست که در آن به حکم قانون و بر اساس حکم دادگاه عمومی و جنایی و نظامی و غیره زندگی یک انسان سلب می‌شود. عربستان سعودی، چین، عراق و ایران دارای بالاترین آمار اعدام در جهان هستند. ایران بعد از چین، بیشترین تعداد اعدام‌ها را به خود اختصاص داده است.



مهرنوش لطفی

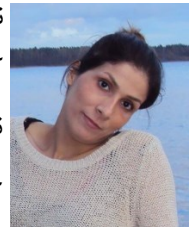
طبق گزارش حقوق بشر هر ساله چندین نفر در ایران اعدام می‌شوند، طبق قانون جزایی ایران، اتهاماتی از قبیل قاچاق مواد مخدر، تجاوز جنسی، آدم‌ربایی و غیره از جمله مواردی است که مستوجب مجازات اعدام است.

مقامات ایرانی بسیاری از احکام اعدام را درملاءعام انجام می‌دهند و این مجازات را به‌عنوان ابزاری جهت گسترش هراس در جامعه استفاده می‌کنند. این مجازات تحقیرکننده است و شکنجه محسوب می‌شود.

اعدام یک جنایت است یک جنایت علیه بشریت و باید علیه آن ایستاد. اعدام، گرفتن حق حیات از یک فرد و بی‌شرمانه‌ترین و وحشیانه‌ترین رفتار با یک انسان است. در ایران انسان‌ها را اعدام می‌کنند چون می‌خواهند مردم را ساکت کنند. در واقع مهم‌ترین فاکتور در ایران اعدام است؛ اعدام امری سیاسی است برای ساکت کردن مردم و ایجاد رعب و وحشت.

مقامات ایرانی از مجازات مرگ به‌عنوان ابزاری جهت گسترش هراس در جامعه استفاده می‌کنند. از جان مردم مایه می‌گذارند. امروز دیگر همه می‌دانند که اعدام و سنگسار و سایر قوانین اسلامی و قرآن کمک می‌کنند مشتی جنایتکار به خود اجازه دهند به زندگی انسان‌ها پایان دهند. اسلام به این‌ها پرویی و وقاحتی را

چپاول و غارت، ماهیت جمهوری اسلامی



خاطره لطفی

فساد و ارتشاء در موجودیت ننگین نظام حاکم و رژیم جمهوری اسلامی می‌باشند.

بیهوده نیست که در چنین ساختار و قدرت دولتی‌ای ما در ظرف مدت بسیار کوتاهی شاهد ظهور ثروتمندان افسانه‌ای و یا تمرکز ثروت‌های نجومی‌ای در نزد سران این رژیم و ایادی آن‌ها می‌شویم که بسیاری از بورژواهای کارکشته در غرب و سرمایه‌داران کلان جهانی نیز در حسرت کسب آن می‌سوزند. در پیوند با همین واقعیت می‌توان دید که در کشورهای پیشرفته کشف دزدی‌ها و رشوه‌خواری‌ها و فسادهای مرتبط با محافل قدرت که اتفاقاً از نظر ابعاد هم بسیار کوچک‌تر از موارد اتفاق افتاده در ایران هستند، ممکن است به تغییر وزیر و حتی دولت و رییس‌جمهور بیانجامد. در حالی که در چارچوب نظام دیکتاتوری حاکم بر کشور ما، دزدهای کلان هر بار با حمایت همان قدرت دولتی پست‌های مهم‌تر می‌گیرند و در مقامی دیگر برای ادامه چپاول و اعمال جنایت، در حق توده‌های مردم تثبیت می‌گردند.



نگاهی به تاریخ چند دهه اخیر نشان می‌دهد که مسئله دزدی‌های بی‌سابقه و ثروت‌های نجومی‌ای که به بهای تشدید فقر و نابودی حیات میلیون‌ها تن از توده‌های محروم، جیب‌مشتی از سران جمهوری اسلامی را پر می‌کند به شکل غیرقابل‌انکاری با نظام حاکم یعنی سرمایه‌داری وابسته و مناسبات ارتجاعی ناشی از آن در جامعه تحت سلطه ما درهم‌تنیده شده است. در هر دوره‌ای از حیات انگلی جمهوری اسلامی، به‌رغم تمامی شعارهایی که در برقراری عدل و حمایت از مستضعفین و مبارزه با فساد و ... سر داده شده است، دولت‌های حاکم و دار و دسته‌هایشان بدون استثناء با استفاده از امتیازات و قدرت دولتی در شرایطی که به دلیل حاکمیت دیکتاتوری تمام‌عیار در جامعه امکان هیچ‌گونه بازرسی و حسابرسی وجود ندارد به چنان تبهکاری‌هایی برای غارت بیت‌المال و چاپیدن اموال عمومی، ارتشاء، رانت‌خواری و ... دست‌زده‌اند که روی دولت‌های غارتگر قبل از خود را نیز سفید کرده‌اند. فساد و ثروت‌اندوزی بی‌سابقه سرمایه‌داران رذل و آخوندهای حاکم در زمان ۸ سال جنگ ارتجاعی با عراق، دزدی‌های کلان دوران به اصطلاح بازسازی بعد از جنگ توسط طایفه رفسنجانی که آن زمان وی را سردار سازندگی می‌نامیدند و در پایان ۸ سال ریاست جمهوری جنایت‌کارانه و تبهکارانه‌اش لقب سردار چاپندگی را از توده‌ها گرفت و تنها یک نمونه از دزدی‌های زمان او به دزدی قرن معروف شد، فساد وحشتناک دوران ۸ سال اصلاحات که در پایان با به‌جا گذاردن میلیون‌ها تن از توده‌های فقیر و تهیدست به ظهور یک نسل انگل‌صفت و فاسد آقازاده‌های میلیاردی منجر شد و بالاخره ۸ سال حاکمیت مزدور منفوری نظیر احمدی‌نژاد که با شعار آوردن پول نفت بر سفره مردم در واقع در طول ۸ سال، سفره خالی کارگران و زحمتکشان را هر چه بیشتر غارت نمود و دولت وی صدها میلیارد دلار از درآمدهای بی‌سابقه نفتی را به جیب خویش و اربابانش سرازیر کرد و مقروض‌ترین دولت تاریخ جمهوری اسلامی را به‌جا گذارد، همه و همه فاکت‌های کوچکی دال بر نهادینه بودن دزدی و



ادامه مطلب از صفحه ۱۴ در ادامه، در طول ۸ سال زمامداری احمدی‌نژاد که همان برنامه‌های امپریالیستی با شدت بازهم بیشتری پیش برده شد و به همین خاطر احمدی‌نژاد از بانک جهانی سر آخر، تشویق‌نامه نیز گرفت، گروه جدیدی از ثروتمندان و غارتگران امثال بابک زنجانی‌ها و شهرام جزایری‌ها و ... به وجود آمدند؛ درحالی‌که گلوله نیروهای سرکوب، سینه مردم گرسنه و شورشی را می‌شکافت که با توجه به قطع یارانه‌ها و بالا رفتن قیمت سوخت و به‌طور کلی در اعتراض به وضع موجود به خیابان آمده بودند، پورسانت‌های دریافتی برای حراج منابع نفت و گاز کشور در بارگاه قدرت‌های امپریالیستی جیب گشاد کارگزاران رژیم را پر می‌کرد و میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی بدون هیچ حسابرسی‌ای به‌راحتی در کابینه دولت و وزارتخانه‌های نفت و ... غیب می‌شد. در این دوره سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران رذل حاکم حتی از تشدید تحریم‌های امپریالیستی که اثرات خانمان براندازی بر زندگی توده‌های محروم می‌گذارد نیز سود بردند و ثروت‌های میلیاردی انباشتند و گروهی از آنان به دلیل از دست دادن منافعتشان، با وقاحت تمام در مخالفت با تلاش برای تخفیف و رفع تحریم‌ها هر آنچه در توان داشتند انجام دادند؛ با این بهانه که رفع تحریم‌ها به تجارت پرسود آن‌ها لطمه می‌زند و برای رونق اقتصادی زیان‌بار است!



با توجه به چنین حقایقی ست که می‌توان به‌روشنی دید که چگونه فساد و دزدی‌های فزاینده در جامعه کنونی ایران رابطه مستقیمی با ماهیت نظام اقتصادی - سیاسی حاکم بر کشور ما و روند پیشبرد برنامه‌ها و منافع امپریالیستی در ایران داشته و دارد. آش آن‌قدر شور شده که حتی خان‌هم فهمیده و به صدا درآمده است. چنان‌چه روزی‌نامه جیره‌خوار جمهوری اسلامی در واکنش به افشای فساد مالی عظیم در ترکیه که یک پای آن‌هم جمهوری اسلامی می‌باشد و منابع مالی آن از بیت‌المال تأمین‌شده با اشاره به سکوت مقامات دزد و فاسد حاکم می‌نویسد که حفاظت از نظام جمهوری اسلامی از طریق عمل به وعده‌ها، پایبندی به قانون و برخورد قاطع با متخلفان امکان‌پذیر است و مسئولان این نظام باید در صورت کوتاهی از انجام این وظیفه از طغیان غیرقابل‌پیش‌بینی لشکر فقر بترسند.



زنان است. برای مقابله با این فجایع باید با قوانین دینی و اندیشه‌های پوسیده سنتی مبارزه کرد و ریشه هرگونه تفکر ارتجاعی را خشکاند تا دیگر شاهد این جنایات نباشیم. مرگ بر حاکمان و ملایان حاکم بر ایران که مردان ایران را با تفکرات پوسیده دینی به جنون کشیده‌اند تا جایی که پدری خودش به جگرگوشه‌هایش شلیک می‌کند، چراکه آن‌ها بر اساس قوانین اسلامی رفتار نکرده‌اند و بی‌آبرویی ایجاد کرده‌اند. ننگ بر این تفکر و تدین ارتجاعی



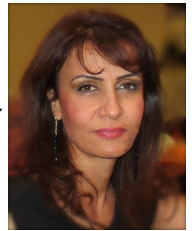
از سایت فتنه (جنبش برای رهایی زن)

دیدن کنید:

www.fitnah.org



خشونت‌های خانوادگی علیه زنان و قتل‌های ناموسی



فرشته نظام آبادی

چندی پیش پدری با همدستی پسرش ۲ دختر ۲۷ و ۳۰ ساله‌اش را با اسلحه گرم کشت. وقتی اخبار خشونت و قتل‌های ناموسی از رسانه‌ها پخش می‌شود من به‌عنوان یک زن ایرانی به دلیل جغرافیای محل و اینکه اجباراً مسلمان هم هستم احساس شرمندگی و خجالت می‌کنم که حتی این اخبار حقیقی و تلخ را مردم کشورهای دیگر اروپائی به‌ویژه سوئدی‌ها بخوانند تا مطلع شوند. چون اتفاق‌های تلخ و وحشتناک قتل‌های ناموسی از یک تعصب خشک و تفکر پوسیده دینی و اسلامی پرده برمی‌دارد. به تمام مردم دنیا می‌فهماند که ما زنان در کشورهای اسلام زده چه بدبختی و مکافات داریم از اینکه مردان، به‌ویژه پدران و برادران مسلمان ما تفکری ارتجاعی و سنتی دارند و زنان همیشه در دایره‌ای با خطوط قرمز قرار دارند که اگر حتی با تخیل از این خطوط قرمز بگذرند، خون زن بر پدر و برادر و اقوام حلال می‌شود و باید زن را کشت. پدری که بعد از قتل ۲ دختر ۲۷ و ۳۰ ساله‌اش ادعا می‌کند که این لکه ننگ و بی‌آبرویی را از بین بردم و شوربختانه تر اینکه در دادگاه‌ها و محاکم قضائی و حکومتی به این پدر و برادر آفرین می‌گویند و هیچ‌گاه محاکمه‌ای که درس عبرت دیگران باشد انجام نمی‌گیرد. ننگ و نفرین بر مسببین اصلی این قتل‌ها، مقتولین مظلوم قتل‌های ناموسی و خانوادگی در دادگاه تفکرات پوسیده سنتی و مذهبی محکوم‌به مرگ می‌شوند. امروز از جمله اهداف فعالیت جنبش زنان در ایران مقابله و جلوگیری از قتل‌های ناموسی و خشونت‌های خانگی علیه



جمهوری اسلامی ضد رفاه و شادی

امرارمعاش روزمره، احترام به تمامی اقشار جامعه با هر عقیده و مذهب توسط دولتی عادل، دور از دسترس نیست و با پیدا کردن مسیر درست رو به دنیای بهتر امکان پذیر است. همواره خلاصی از مشکلات و مسائل معیشتی روزمره برای مردم سرتاسر جهان راه را برای شکوفایی ذهنی و بروز ایده‌های بهتر هموار خواهد کرد. اعتقاد به دنیایی برابر که در آن هیچ قشر سرمایه‌داری موفق به استثمار نیروی کار نگردد آرزوی تمامی انسان‌های آزاده دنیا است. پرواضح است که مردم ایران حق خود را چیزی فراتر از رتبه دوم فلاکت جهانی می‌دانند و در راه مبارزه با دولتمردان رژیم اسلامی که همواره دستشان به خون آزادی خواهان آلوده است ایستادگی نخواهند کرد.



سی و اندی سال است که رژیم اسلامی ایران بی‌مسئولیتی و بی‌اهمیتی خود را نسبت به تمامی مسائل، و علی‌الخصوص مسائل معیشتی مربوط به جامعه ایران نشان داده است. **حسین خزاعی** است. گرانی و تورم روزافزون، سنگینی بار تحریم، کمک‌های بی‌دریغ به گروه‌های تروریستی دنیا دستاورد رژیم عقب‌افتاده جمهوری اسلامی است. با تلاش‌های بی‌وقفه رژیم ایران برای جنگ‌طلبی و تیره کردن روابط با سایر دول دنیا، شنیدن رتبه‌بندی‌های جهانی در خصوص ایران در تمامی جوانب، تعجب و تأثیری به دنبال ندارد گویی قبح عقب‌افتادگی ایران از بین رفته است. مثال بارز این مقوله، قرار گرفتن ایران در رتبه ۲ شاخص فلاکت جهانی است. قرار گرفتن ایران در این رتبه در حالی است که بخش اعظمی از این مسئله به دلیل تورم و رکود پدید آمده در ایران پس از اجرای برنامه نادرست و بی‌مصرف هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌های بین‌المللی است. حال این سؤال مطرح است که شاخص فلاکت چیست؟

شاخص فلاکت یک نشانگر اقتصادی است که از افزودن نرخ بیکاری به نرخ تورم به دست می‌آید. شاید بیان مثالی در این زمینه وضعیت ایران را در این خصوص شفاف سازد. در جریان انتخابات ۱۳۸۸ در ایران و در جریان مناظره تلویزیونی میان محمود احمدی‌نژاد و محسن رضایی برافزایش فلاکت به نزدیک ۴۰ درصد در طول ریاست جمهوری احمدی‌نژاد اشاره شد و گفته‌های او در خصوص بهبود وضعیت کشور رد شد. این در حالی است که هم‌اکنون شاخص فلاکت منتشرشده از سوی نهادهای اقتصادی بین‌المللی در مورد ایران ۶/۶۱ است که تنها یک پله پایین‌تر از ونزوئلا قرار دارد. مدتی است که در ایران دولت روحانی برای مهار تورم تنها سخن گفته، حرف زده، اعلام نظر کرده و به قلم‌فرسایی پرداخته است؛ اما پرواضح است که با توجه به موقعیت کنونی ایران در دنیا تلاش دولت‌مردان ایران دست‌وپا زدن در باتلاق جنون قدرت اسلامی است و نتیجه‌ای جز کوتاه شدن عمر این حکومت به دنبال نخواهد داشت. فراهم کردن زندگی مرفه و دور از دغدغه‌های

جنبش‌های مدنی، حاصل مقاومت مدنی و بلوغ

سیاسی مردم



فضل‌الله اسدی

جنبش مدنی که جرقه‌های آن در ایران از چند سال پیش شروع شده بود و همزمان با انتخابات ۸۸ به اوج خود رسید این روزها شکل تازه‌ای به خود گرفته است. مردم ایران که استبدادی ۳۶ ساله را تجربه کرده‌اند، سال‌هاست که برای ایفای حقوق اولیه خود راه مبارزه مسالمت‌آمیز را در پیش گرفته‌اند. نافرمانی‌های مدنی را ما در تاریخ سی‌ساله حکومت جمهوری اسلامی به کرات مشاهده کرده‌ایم؛ اما این روزها شاهد جنبش‌های زیادی در ایران هستیم از اعتراضات فعالین سیاسی و مدافعین حقوق بشر که در انواع و اقسام روش‌های متفاوت، مخالفت خویش را با حکومت جمهوری اسلامی نشان می‌دهند تا جنبش زنان آزادی‌خواهی که در قالب (آزادی یواشکی، برداشتن روسری از سر و کشف حجاب) مخالفت خویش را با سیاست‌های حکومت نشان می‌دهد، خوشبختانه دیگر سایه ترس کنار رفته و این جنبش‌ها همگانی شده است و می‌رود تا در آینده نزدیک آزادی را برای جامعه ایران به ارمغان بیاورد.

انتشار مقالات سیاسی و اقتصادی، فضای باز سیاسی در دنیای مجازی اینترنت که تنها دسترسی جوانان به منابع درست سیاسی و اجتماعی است، بسیاری از مخالفت‌ها و کج روی‌های حکومتی را برملا کرده است. شکاف میان طبقه حاکمه سخن روز مردم شده بود و جوانان توانسته‌اند با خواندن کتاب‌ها، دیدن فیلم‌ها و مطالعه روزنامه‌هایی که قبلاً جزو ممنوعات بود، شعور سیاسی و آگاهی اجتماعی خود را بالا برده و خود را برای روز موعود آماده کنند.

ریشه این حرکت‌های اجتماعی را باید از زمان وقوع انقلاب ۱۳۵۷ جستجو کرد؛ و از همان سال‌های نخستین انقلاب خط و مشی سیاسی این حکومت که برگرفته از مذهب و شریعت بود و بارها سینه ما را به درد آورد و این دردها خود پشتوانه حرکت آگاهانه سیاسی - اجتماعی امروز مردم ایران شد و این انفجار عظیم اجتماعی امروز نمود بیرونی پیدا کرده است.

حال سعی بر آن است که بخشی ناچیز از این دردها به قلم بیاید:

روزی که رأی مردم را نادیده گرفته و با کودتا، خود و رهبرانتان به اریکه قدرت تکیه زدید.

روزی که با لب‌های دوخته در سکوت پرسیدیم رأی من کو؟ پاسخمان را با گلوله دادید.

روزی که حضورمان در باورتن ننگجید و خس و خاشاکمان خواندید.

روزی که قلب ندای برابری خواهی مادران و خواهرانمان را نشانه گرفتید.

روزی که ترانه آزادی ما را در آتش بغض و نفرت خود سوزاندید.

روزی که مادران این سرزمین را در غم سهراب‌ها سیاه‌جامه کردید.

روزی که گرگان گرسنه پیکر جوانان ما را در شکارگاه کهریزک دریدند و سکوت کردید.

روزی که اقلیت‌های غیرمسلمان را به خاطر قبول نداشتن تفکرات اسلامی خود به انزوا راندید و خون آنان را مباح دانستید.

روزی که با وعده‌های دروغین خویش مردم را فریفتید و با وعده‌های آب‌ونان آنان را به تباهی کشاندید.

روزی که با وعده‌های دروغین آزادی را از مادران و خواهرانمان گرفتید و آنان را لچک‌به‌سر کردید.



ادامه مطلب از صفحه ۱۸ آنگاه که به جای جبران خطاهای تان و محاکمه و مجازات تروریست‌ها، متجاوزان واقعی و رهبران آن‌ها با صدها اتهام واهی، دگر اندی‌شان را به بند و بی‌گناهان را بردار می‌کنید.

آنگاه که به جای آشتی با مردم این ولی‌نعمتان جامعه، سلاح ارباب و تهدید به دست گرفته و هزاران تهمت و افترا نصیبشان می‌کنید.

آنگاه که صدای هر انتقاد و اعتراضی را در گلوها خشکانده و پاسخمان را با تیغ و دشنه می‌دهید.

و آنگاه که به گمان نابودی جنبش مردم، رهبران آن را حبس و به مجازات اعدام تهدید می‌کنید.

ایران به یک پادگان نظامی اسلامی تبدیل شده است و فاشیسم مذهبی میهن‌عزیزمان را در خود غرق کرده است، اعتراضات مدنی میلیونی ایرانیان در داخل و خارج از کشور که همیشه از سوی جانین حکومتی مشتی فتنه‌گر و آشوب‌طلب نامیده شدند می‌رود تا به نتیجه رسد، شعور سیاسی و اجتماعی مردم به بالاترین نقطه رسیده و مردم عزت و شرف انسانی خود را از دست‌رفته می‌بینند و قصد دارند تا برای این هویت از دست‌رفته با استبداد بجنگند.

امروزه دیگر روشنفکران خود را عقب‌تر از مردم می‌بینند و همه جهان سراپا محو حرکت سیاسی آگاهانه مردم ایران شده است. عطش ایرانیان برای گذار به جامعه آزاد تحسین همه را برانگیخته است. مردم ایران به خوبی دریافته‌اند که راه رسیدن به آزادی از درون خود آن‌ها و جنبش‌های مدنی می‌گذرد. البته حکومت - همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد - از قبل خود را برای چنین روزهایی آماده کرده است، موج فراوان دستگیری‌ها، محاکمات غیابی و کشتارها که از سال‌ها قبل آغاز گردیده به شدت به کار خویش ادامه می‌دهد ولی اقتدارگرایان نمی‌دانند که جنبش‌های مدنی آزادی‌خواهی امروز ایران یک‌روزه به وجود نیامده است و یک‌روزه هم از بین نخواهد رفت. خشونت‌های گسترده پیش روی مردم نفرت عجیبی را دامن زده است، ترس مردم که تنها حربه نیروهای سرکوبگر بوده است، این روزها رنگ‌باخته است. جوانان و آزادی‌خواهان ایران به بلوغ سیاسی رسیده‌اند و نشان می‌دهند که برخلاف تفکری که از قبل در مورد جامع

ایران وجود داشته است، امروز حاضرند تا جان خود را برای دفاع از حقوق خود و آزادی فدا کنند.

آقایان بدانید! جنبش‌های مدنی و آزادی‌خواهی نماد آزادی‌خواهی و حق‌طلبی ملت ستمدیده ایران است که در این مبارزه به دنبال استقرار حکومت قانون و دموکراسی در سرزمین خود هستند و اگر حاکمان خلف شما با حذف مبارزانی چون ستارخان‌ها و باقرخان‌ها و دیگران موفق به توقف این ستیز شدند، شما نیز خواهید توانست.

با وجود دستگیری و زندانی نمودن فعالین سیاسی و اخراج اکثر خبرنگاران خارجی و نهادهای حقوق بشری و ایجاد محدودیت‌های ارتباطی گسترده در کشور و تهدید و ارباب بی‌سابقه مردم و فعالان سیاسی، جنبش‌های آزادی‌خواهی امروز مردم ایران پشتوانه‌ای قدرتمند به نام میهن‌دوستی و آشتی‌ناپذیری بازور دارد. جنبش مدنی ایران می‌رود تا آرام‌آرام ایرانیان و جهانیان را از خواب غفلت بیدار سازد و آزادی‌خواهان را در سرتاسر دنیا با این حرکت همراه سازد. مردم آزاداندیش و مترقی ایران با زیباترین حرکت‌های اجتماعی، مطالبات خود را طلب می‌کنند، آن‌ها راه خود را برای رسیدن به جامعه آزاد انتخاب کردند و می‌خواهند تا آرام و مسالمت‌آمیز با حداکثر قدرت پیش روند و حکومت را قدم‌به‌قدم به عقب برانند. این راه قابل‌برگشت نخواهد بود چراکه حق گرفتنی است و نه دادنی. مردم ایران به روشنی دریافته‌اند انقلاب و دگرگونی کورکورانه مشکل آن‌ها را حل نخواهد کرد و شاید دوباره آن‌ها را به جای بدتر دیگری بکشاند.

بیاید همه باهم به احترام فعالین سیاسی و حقوق بشری دربند و جنبش‌های مدنی بی‌نظیر مردم ایران کلاه از سر برداریم و با آنان همراه شویم.



با سلام خدمت خوانندگان نشریه همبستگی

با پوزش، این هفته به دلایل فنی قادر نبودیم در تاریخ مقرر نشریه را منتشر کنیم. امیدوارم از مطالب این شماره لذت ببرید. از میلاد رابعی همکار نشریه هم تشکر می‌کنم که در رفع این مشکل ما را یاری کرد.

مسئول فنی: سروناز سینائی



مسئولیت مقالات مندرج در نشریه همبستگی
با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در این
نشریه به معنای تأیید مضمون آنها از سوی
نشریه همبستگی نمیباشد

**Down with
Islamic
Republic**

نشریه همبستگی هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه منتشر
می‌شود

شما هم نویسنده این نشریه باشید

**سرنگون باد حکومت جنایتکار
اسلامی**

همبستگی، نشریه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی است. این نشریه متعلق به همه زنان و مردانی است که از جهنم جمهوری اسلامی به تنگ آمده‌اند و از آن گریخته‌اند، متعلق به تمام آزادیخواهان و برابری طلبان است. این نشریه متعلق به کسانی است که حق پناهندگی را حق طبیعی هر انسانی میدانند. برای همبستگی، مطلب، خبر و گزارش بفرستید.

پست الکترونی تماس با نشریه:

hambastegiif@gmail.com

سایت همبستگی:

www.hambastegi.org

صفحه همبستگی در فیسبوک:

<https://www.facebook.com/HambastegiIFR>